

عوامل مؤثر در فراگیری زبان خارجه

از دکتر مینو ورزگر

فراگیری زبان خارجه بازبان مادری تفاوت فاحش دارد. زبان مادری از طریق طبیعی آن یعنی در محیطی که زبان در آن صحبت می‌شود و در اثر تکرار و تمرین مداوم و در طی مدت زمان طولانی که از تولد تا شش سالگی باشد و بدون هیچ‌نوع آموزشی یاد گرفته می‌شود. البته رشد و تکامل زبانی تا سن ۱۰ سالگی امکان دارد بطول بیانجامد و حتی تا این سن احتمال اشتباه و محدودیت زبانی وجود دارد ولی رفته‌رفته ساختمان دستوری و واژگان رگسترش می‌یابد. و اشتباهات و محدودیتها رفع می‌گردند. در حالیکه زبان خارجه معمولاً در محیط خارج از زبان و بطور مصنوعی در کلاس درس و با کمک معلم و همراه با آموزش صورت می‌گیرد. البته اگر کودک را در سنین طفولیت در محیط زبان خارجه قرار بدهید دیگر احتیاج به آموزش پیش نمی‌آید و کودک خود با استنتاج یکسری قواعد محدود قادر به ساختن تعداد نامحدودی جمله خواهد شد.

یادگیری زبان خارجه پس از سنین کودکی دشوار شده و دارای مشخصات زیر می‌شود:

۱- رشد فکری زبان آموز پیشرفته‌تر می‌گردد.

۲- زبان آموز قبلاً " ساختمان دستوری، و بسیاری از واژگان زبان مادری خود را

فراگرفته است که در بعضی اوقات انتقال مثبت و در بیشتر موارد انتقال منفی

که " تداخل " نامیده می‌شود پدید می‌آید.

۳- زبان آموز در این سن مفاهیم و معانی را درک می‌نماید.

پن‌فیلد Penfield اعتقاد دارد که در سن ۹ سالگی مغز انسان خاصیت انعطاف‌پذیری

خود را از دست داده و سخت می‌گردد و زبان‌آموزی دشوار میشود. در این رابطه بهتر

است نگاهی به جدول استرن Stern (۱۹۶۳) درباره فواید و مضرات یادگیری زبان خارجه در سنین مختلف بنمائیم :

۱- سن یادگیری: قبل از نوجوانی (۳-ه سالگی) .

الف - فواید:

- ۱- با نور و فیزیولوژی Physiology مغز مطابقت دارد .
- ۲- آسانترین و موثرترین است .
- ۳- تلفظ خوب و طبیعی ایجاد می شود .
- ۴- اثرات حافظه‌ای زبانی عمیق تری برای تکامل بعدی بجای گذارده می شود .
- ۵- وقت بیشتری برای زبان آموزی می توان اختصاص داد .

ب - مضرات:

- ۱- احتمال تداخل با زبان مادری پیش می آید .
- ۲- فرآیند زبان آموزی آگاهانه صورت نمی گیرد .
- ۳- وقت صرف شده ب نتیجه حاصله مطابقت ندارد .

۲- سن یادگیری: نوجوانی (۱۱ سالگی تا ترک مدرسه)

الف - فواید:

- ۱- توانایی درک بسیاری از جنبه‌های زبانی و تماس‌های فرهنگی ایجاد می شود .
- ۲- وقت کافی برای نتایج عالی موجود است .
- ۳- حافظه تقویت یافته و رشد نیروهای دماغی سطح عالی پدیدار می شود .
- ۴- مهارت‌های زبان اول خوب جا افتاده اند و بهمین علت تداخل و اشکالی پیش نمی آید .

- ۱ - این مرحله از یادگیری از مرحله قبل دشوارتر است .
- ۲ - موفقیت احتیاج به جدیت و پشتکار دارد .
- ۳ - یادگیرنده از فرآیند یادگیری آگاه است .
- ۴ - امکان نپذیرفتن مطالب حفظ کردنی پیش می آید .
- ۵ - تجربه نتایج بدی را نشان داده است .
- ۶ - برنامه درسی متراکم و اختصاصی شدن مطالعات مانع یادگیری عمیق زبان می شود .

۳- سن یادگیری: بزرگسالی

الف - فواید:

- ۱ - داشتن هدف مشخص یادگیری را سریع می سازد .
- ۲ - انگیزش قوی توأم با دلایل منطقی نوجوانان، یادگیری را بهتر می سازد .
- ۳ - مطالب بیشتری در مدت زمان کوتاهی فرا گرفته می شود .

ب - مضرات:

- ۱ - وقت باندازه کافی نیست .
- ۲ - مشغولیت‌ها و کارهای دیگری وجود دارد .
- ۳ - مطالعات صورت متراکم و نامنظم دارد .

ولی آنچه که از این جدول استنباط می شود اینست که زبان آموزی از سن نوجوانی بی‌الا مشکل‌تر می‌گردد. استون دلائل زبانی - روانی را تحت الشعاع دلایل دیگر قرار می‌دهد، حال آنکه ریشه این مسئله در اشکالات روانی و نور و فیزیولوژیکی است که منتج به مسائل زبانی می‌شود.

علاوه بر سن عوامل بیشمار دیگری در فراگیری زبان خارجه موثر می‌باشند که بشرح زیر بیان می‌گردد:

- ۱ - هوش که بعنوان قدرت یادگیری از آن می‌توان نام برد، یکی از عوامل مهم

یادگیری زبان خارجه است. البته این عوامل فقط ۱۵ تا ۲۰ درصد در یادگیری زبان موثر است.

۲- استعداد، عامل دیگری است که در شرایط آموزشی امروزی حتی از هوش نیز مهمتر می باشد و بطور کلی $\frac{۱}{۳}$ کل عوامل یادگیری حائز اهمیت است. کرول Carroll، (۱۹۶۳) استعداد زبان خارجه را شامل توانایی های زیر می داند:

الف - درک صوتی که توانایی درک مواد شفاهی یا گفتاری است بطوریکه این مواد تشخیص داده و تجزیه و تحلیل شده و برای مدتی طولانی تر از چند ثانیه در ذهن حفظ گردد. شواهد چنین نشان می دهند که داشتن " گوش خوب برای زبان " یا قدرت تقلید صوتی، توانایی است که چندان ارتباطی با گوش ندارد بلکه با ظرفیت مغز انسان برای دریافت و اندوختن آن اطلاع برای بخاطر آوردن بعدی آن مطلب صوتی خواهد بود.

ب - نگرش نسبت به معلم:

نگرش یادگیرنده نسبت به معلم در یادگیری او تأثیر بسزائی دارد. اگر زبان آموز به معلم اعتقاد داشته باشد و او را دوست بدارد بطور یقین انگیزش او برای یادگیری آن زبان بیشتر خواهد بود.

پ - علاقه به زبان خارجه:

علاقه به یادگیری زبان خارجه بخصوص مهارت های مختلف زبان خارجه تأثیر بسزائی در یادگیری دارد. بطور مثال، اگر زبان آموزی برای هدف خاصی علاقه به یاد گرفتن خواندن زبان خارجه داشته باشد، تحمیل یادگیری مهارت های دیگر با او اثر منفی خواهد داشت، زیرا او علاقه به یادگیری خواندن زبان خارجه دارد و گفتار و نوشتار آن زبان در آینده برای او بهیچوجه اهمیتی نخواهد داشت. بطور کلی اگر فرد علاقه یا دلیل خاصی برای فراگیری آن زبان خارجه نداشته باشد، یادگیری او فرآیندی بس دشوار پیدا خواهد نمود.

ت - نگرش نسبت به فرهنگ مربوط به آن زبان خارجه:

نگرش نسبت به فرهنگ مربوط به آن زبان خارجه که بیشتر ارتباط با مسائل فرهنگی-اجتماعی دارد در یادگیری زبان می تواند موثر باشد. نگرش منفی نسبت به فرهنگ خارجی باعث کند کردن جریان یادگیری می شود و نگرش مثبت، یادگیری را تقویت می نماید.

ث - عدم تعلق به محیط خاص:

احساس عدم تعلق به محیط زبان مادری یا محیط زبان خارجه باعث احساس عدم تعلق به محیط خاص و در نتیجه بی کسی و تنهایی می شود که این عامل، یادگیرنده را یادگیری زبان خارجه باز می دارد و در عین حال احساس نفرتی در او نسبت به زبان مادریش

نیز افراد می‌نمایند که باعث فرار از زبان مادری و عدم امکان پناه بردن به عامل دیگری می‌باشد این احساس معمولاً "به افرادی دست می‌دهد که از کشور خود به کشور دیگری مهاجرت نموده‌اند و زبان مادری آنها در آن محیط عاملی برای دورنگهداشتن آنها از آن اجتماع و زبان خارجه آنها که ملیت آنها را ندارند همیشه معرف خارجی بودن آنهاست و لول آنکه آن زبان را با لهجه بومی صحبت کنند، زیرا اصلیت آنها به اجتماع دیگری برمی‌گردد. در نتیجه احساس عدم تعلق به محیط خاص در آنها بوجود می‌آید که یک عامل منفی در زبان آموزی است. ناگفته نماند که نداشتن لهجه غیر بومی در زبان خارجه امکان دارد این احساس را به حداقل تقلیل بدهد یا از شدت آن بکاهد.

عوامل دیگری نظیر استراتژی ای یادگیری، عادت مطالعه و ارزشیابی از خود در یادگیری از نظر فرایندهای یادگیری، زبان آموز مطالب یاد گرفته شده را بر روی پایه‌ای که قبلاً "در زبان مادریش بنیان گذاری شده است می‌گذارد در نتیجه امکان دارد که تداخل بین زبان مادری و زبان خارجه پیش آید.

در مورد عادت یادگیری، مسائلی مانند از بر کردن، یادداشت برداری، استدلال قیاسی و استقرائی مطرح می‌شود که اینها خود از استراتژی‌های یادگیری می‌باشند. ارزشیابی خود همیشه در طول دوران یادگیری صورت می‌گیرد ولی در مورد ارزشیابی از خود در زمینه زبان آموزی معمولاً "یادگیرنده‌ها معلومات خود را نادیده می‌گیرند و چون اصولاً "قادر به تکلم نمی‌باشند معلومات عمیق خود را از آن زبان دست کم می‌انگارند. غیر از عواملی که در مورد یادگیرنده ذکر شد عوامل دیگری مانند عوامل آموزشی از قبیل کیفیت آموزش، فرصت یادگیری، اثرات انتقال، ضابطه ارزشیابی و عوامل فرهنگی - اجتماعی مانند وفاداری به زبان و ترکیبات زبانی، دو فرهنگی بودن و غیره

Brown, Douglas. Principles of Language Learning and Teaching (2nd Ed.). Englewood Cliffs: Prentice-Hall, Inc., 1987.

Carroll, J.B. "Linguistic Relativity, Contrastive Linguistics, and Language Learning," International Review of Applied Linguistics, I (1963).

Ellis, Rod. Understanding Second Language Acquisition. Oxford: Oxford University Press, 1986.

Jakobovits, Leon. Foreign Language Learning. Rowley: Newbury House Publishers, 1970.

Wilkins, D.A. Second-language Learning and Teaching. London: Edward Arnold, 1982.